



اولین عبور ناوگروه رزمی نیروی دریایی از کانال سوئز

دیپلماسی دریایی؛ مکمل دیپلماسی سیاسی

ناوشکن ساخت کشورمان، به نام «جماران» در خلیج عدن حاضر شد و طی ۷۱ روز دریانوردی خود، ۲ بار توانست کشتی‌های تجاری را از چنگ دزدان دریایی سومالی برهاند.

ناوگروه بیست و چهارم، رکورد دیگری از حضور نیروی دریایی در آب‌های آزاد خلق کرد و آن ورود به اقیانوس آرام به عنوان بزرگترین پهله‌آبی جهان برای اولین بار بود. ناوگروه بیست و چهارم متشکل از ناوشکن «سبلان» و ناو لجستیک «خارک»، با عبور از اقیانوس هند، خلیج بنگال، تنگه مالاکا و دریای چین، برای اولین بار وارد بزرگترین اقیانوس جهان شد و پس از طی ۱۳ هزار کیلومتر و ۴۰ روز دریانوردی در این مأموریت، در اسکله شماره ۷ بندر ژان ژیانگ ناوگان دریایی جنوبی چین پهلو گرفت.

اما شاید یکی از هیجان‌انگیزترین اعزام‌های ناوگروه جمهوری اسلامی در این ۵۸ مورد، حمله به هدفی سخت و پر چالش به نام حضور در اقیانوس اطلس باشد. اتفاقی که تا حدودی در آذرماه سال ۹۵ به وقوع پیوست و ناوگروه چهل و چهارم ما شامل ناوشکن البرز و ناو پشتیبانی بوشهر با عبور از دماغه امید نیک در بندر دوربان آفریقای جنوبی که ابتدای اقیانوس اطلس قرار دارد، لنگر انداخت. همان زمان امیر سیاری این قول را داد که به زودی از عرض اقیانوس اطلس نیز که بین ۳ تا ۵ هزار کیلومتر مسافت را شامل می‌شود، عبور خواهیم کرد.

اقیانوس اطلس را فتح خواهیم کرد

یکی از کارشناسان خبره نیروی دریایی در حوزه دیپلماسی دفاعی دریایی جزییات بیشتری از این برنامه و هدف‌گذاری به خراسان ارائه می‌کند.

وی با بیان این که رهبر معظم انقلاب در بازدیدی که از بندرعباس داشتند، فرمودند نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران به دلیل نیازهای جمهوری اسلامی، باید در اقصی نقاط عالم توان خود را نشان دهد، تاکید می‌کند: «ما قاطعانه می‌گوییم اطلس را فتح خواهیم کرد اما هر عقل سالمی می‌گوید باید به دنبال برنامه‌ریزی و پیش‌بینی‌های لازم باشیم و باید دستاوردهای مختلف را تدوین کرد.»

وی اما در اعلام زمان این برنامه ملاحظاتی دارد و می‌گوید: «برای تعیین زمان، نیازمند بررسی‌های فنی و سیاسی هستیم اما این هدف‌گذاری طولانی مدت نیست، ضمن این که برای ما شرق و غرب اقیانوس اطلس فرق نمی‌کند.»

اما هدف از این همه هزینه و کار سخت چیست؟ ناخدا

قرمزی برای ما پهن نشده و این اراده ملت ایران است که مبتنی بر اندیشه‌های ملی و اسلامی شکل گرفته است. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای دهه ۸۰ شمسی و با نظریه جدید رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر راهبردی شدن نیروی دریایی ارتش و حضور در آب‌های بین‌المللی که با شدت گرفتن دزدی دریایی در منطقه خلیج عدن همراه بود، به موضوع دیپلماسی دریایی با جدیت بیشتری پرداخت. در گذشته سابقه تعاملات دریایی تنها به حضور سالیانه ناوگروه آموزشی کشورمان در سواحل کشورهای دوست برمی‌گشت اما با راهبردی اعلام شدن نیروی دریایی، دیگر وقت آن رسیده بود تا جدی‌تر از همیشه و در ۴ دسته آموزشی، اطلاعاتی، عملیاتی و صلح و دوستی ناوگروه‌هایی اعزام شوند که از اردیبهشت سال ۸۸ که اولین ناوگروه با هدف مبارزه با دزدان دریایی و با حضور ناوشکن البرز و ناو لجستیک بوشهر به مدت ۵۸ روز به خلیج عدن رفت و برگشت، تاکنون ۵۸ ناوگروه دیگر اعزام شده‌اند.

رکوردهای اعزام ناوگروه‌های نیروی دریایی

اما در میان این ۵۸ ناوگروه اعزام شده به شرق و غرب عالم، چند نقطه عطف دیده می‌شود که نمی‌توان به سادگی از کنار آن‌ها گذشت.

ناوگروه دوازدهم جمهوری اسلامی شامل ناوشکن «الوند» و بزرگترین ناو لجستیک غرب آسیا به نام «خارک»، اولین ناوگروه ایران بودند که پس از انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۸۹ با گذشتن از دریای سرخ به کانال سوئز رسیدند و سپس وارد دریای مدیترانه شدند که البته هم‌زمان با انقلاب مصر و سرنگونی مبارک در این کشور بود. از حواشی مهم این حضور، گذشتن ناوگروه قهرمان ایرانی از برابر آب‌های سرزمین‌های اشغالی و توجه نکردن به تماس‌های نیروهای رژیم صهیونیستی بود. بعدها، ناوگروه هجدهم نداجا (متشکل از ناو موشک‌انداز شهید نقدی و ناو لجستیک خارک) نیز در جریان مأموریت ۶۴ روزه خود، بار دیگر در دریای مدیترانه حضور پیدا کرد.

ناوگروه چهاردهم ما نیز یک ویژگی مهم داشت و آن حضور زیرسطحی کلاس سنگین «یونس» در کنار ناو نقدی و ناو بندرعباس و دریانوردی ۶۷ روزه بود که برای اولین بار با حضور زیرسطحی انجام می‌شد. این حضور زیرسطحی در ناوگروه بیست و هشتم که به سریلانکا رفت نیز تکرار شد.

ناوگروه شانزدهم ایرانی نیز یک رکورد زد و برای اولین بار

بزرگان علم روابط بین‌الملل، دیپلماسی را فن و هنر می‌دانند، فنی که می‌تواند هنرمندانه از بروز یک جنگ بزرگ جلوگیری نماید اما وقتی یک ناو جنگی با تمام ساز و برگ نظامی و تسلیحاتی خود، عزم حضور در یک بند یا منطقه می‌کند، می‌تواند پیام‌آور صلح و دیپلماسی باشد؟ به نظر می‌رسد این روزها دارندگان قدرت در دریاهای می‌توانند در این حوزه نیز هنرنمایی کرده و از فن دیپلماسی دفاعی دریایی برای نزدیک شدن دولت‌ها و ملت‌ها بهره گیرند، به عبارتی این بار سلاح و جنگ‌افزار مسبب جلوگیری از جنگ می‌شود. می‌توان این‌طور توضیح داد که در حالت معمول تصور عمومی بر این است که نزدیک شدن شناور نظامی مسلح به آب‌های سرزمینی یک کشور مستلزم و مقتدر می‌تواند مفهومی خطرناک داشته باشد اما در پروتو دیپلماسی دریایی، سالیان سال است که رسم دید و بازدید میان ناوگروه‌های نظامی در دریا برقرار است. مگر کشورهایی چون چین، هند و روسیه و... که ایران اسلامی با توانمندی بالا و با دریانوردی‌های کوتاه و بلند در کنار بنادرشان پهلو گرفته و با صلابت پیام صلح و دوستی میان ۲ ملت و کشور را مبادله کرده است، قدرتمند نیستند؟ همچنین اگر به اهداف حضور ناوگروه‌های رزمی کشورمان برای عملیات در خلیج عدن، با مأموریت مبارزه با دزدی دریایی که همراه با دیگر ناوگروه‌های کشورهای دیگر و در ارتباط با آن‌ها انجام می‌شود، همچون تأمین امنیت خطوط مواصلاتی و تأمین منافع متنوع ایران اسلامی است، توجه داشته باشیم، می‌تواند بخشی از دیپلماسی دریایی دفاعی ما را تشکیل دهد، چراکه هدف دیپلماسی در هر حوزه‌ای همین تأمین منافع کشور است.

خیلی از کشورها سالیان سال است متوجه این موضوع شده‌اند که با توجه به حجم بسیار بالای تجارت در دریا و حضور هزاران شناور نظامی و غیرنظامی که به صورت شبانه‌روزی در دریاهای آزاد و تحت حاکمیت تردد می‌کنند، باید ارتباطات و تعاملات دریایی نیز میان‌شان در سطح خوبی باشد که اگر نباشد هر لحظه دریا می‌تواند به جهنمی از درگیری و تنش میان کشورها بر سر منافع اقتصادی بدل گردد.

گذار از دوره وابستگی به استقلال در تصمیم‌گیری نظامی

در دوره‌ای قدرت‌های جهانی سعی داشتند تا به لحاظ جایگاه ایران، کشورمان را بالا ببرند و این بر اساس خواست قدرت‌های جهانی بود، در حالی که امروز چنین فرش